




Security Approach of Hassan Rouhani' Government Based on the Copenhagen School Approach

- Alireza Samiee Isfahani** *  Associate Professor, Political Sciences,
Yasouj University, Yasouj, Iran
- Jafar Norozinejad**  Ph.D, Political Sciences, Yasouj University,
Yasouj, Iran
- Shahrooz Soltan Ahmadi**  Master of Border Science and Technology,
Amin Police Academy, Tehran, Iran

Abstract

The following article seeks to answer the main question: What security approach has the moderate government of Hassan Rouhani put in its agenda during the first term of its presidency (2013-2016)? And more clearly; what are the dimensions, components, and reference, purpose and security strategies in this security approach? The research hypothesis is that the security approach of Hassan Rouhani's government, influenced by the requirements of social fields, had a McNamara approach; In a way, the link between security and development, and especially economic, social and political development, has been a priority. The findings show that the Eleventh Government considers national power to be the result of a broader definition of security and considers it a strategic mistake to limit this concept to military power and the use of harsh tools. It has maximized the issue of security and has tried to improve the national security situation by relying on development policies in the fields of economy, society and politics. Qualitative research method of causal explanation and conceptual and theoretical tools for subject analysis, using the security theory of Barry Buzan and Weaver is one of the leading experts of the Copenhagen school. The method of data collection is also library and also the use of scientific resources of cyberspace.


Keywords: Security Approach, Rouhani's Government, National Security, Copenhagen School, Societal Security.

* Corresponding Author: asamiei@yu.ac.ir

How to Cite: Samiee Isfahani, A., Norozinejad, J., Soltan Ahmadi, S., (2021), "Security Approach of Hassan Rouhani' Government Based on the Copenhagen School Approach", *Political Strategic Studies*, 10(39), 73- 108, doi: 10.22054/QPSS.2020.50825.2479.

تبیین ابعاد و مولفه‌های رویکرد امنیتی دولت روحانی بر اساس نظریه مکتب کپنهاگ


دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران

 علیرضا سمیعی اصفهانی * 

دکتری علوم سیاسی دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران

 جعفر نوروزی نژاد 

 کارشناسی ارشد علوم و فنون مرزی دانشگاه علوم انتظامی امین،
 تهران، ایران

 شهروز اسدی سلطان احمدی 

چکیده

نوشتار پیش رو در پی پاسخ به این پرسش اصلی است که دولت حسن روحانی در دور «نخست» ریاست جمهوری (۱۳۹۲-۱۳۹۶) چه رویکرد امنیتی را در دستور کار خود قرار داده است؟ و به طور روشن‌تر؛ ابعاد، مولفه‌ها، مرجع، غایت و راهکارهای تامین امنیت در رویکرد امنیتی این دولت چه بود؟ فرضیه پژوهش این است که رویکرد امنیتی دولت حسن روحانی متأثر از الزامات میدان‌های اجتماعی، رویکرد مک نامارایی داشته؛ به نحوی که پیوند امنیت با توسعه و بویژه توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در اولویت آن قرار داشته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دولت یازدهم، قدرت ملی را برآیند تعریف موسع از امنیت دانسته و محدود نمودن این مفهوم به یک بُعد، آن را اشتباه راهبردی تلقی کرده، از این رو در پی آن بوده است تا نگاهی چند وجهی، جامع و حداکثری نسبت به مقوله امنیت داشته باشد و کوشیده با اتکا به سیاست‌گذاری‌های توسعه در حوزه اقتصاد، اجتماع و سیاست وضعیت امنیت ملی را بهبود بخشد. روش پژوهش، کیفی از نوع تبیین علی و ابزار مفهومی و نظری برای تحلیل موضوع، بهره‌گیری از نظریه امنیتی بری بوزان و ویور از صاحب‌نظران برجسته مکتب کپنهاگ است. روش گردآوری داده‌ها نیز کتابخانه‌ای و همچنین استفاده از منابع علمی فضای مجازی است.

واژگان کلیدی: رویکرد امنیتی، حسن روحانی، امنیت ملی، مکتب کپنهاگ، امنیت جامعه‌ای.

مقدمه

دو تحول فروپاشی شوروی و جهانی‌شدن، بر مفهوم امنیت تاثیر شگرفی گذاشته‌اند. فروپاشی شوروی در اوج قدرت و امنیت نظامی و توانایی‌های مادی و ناتوانی دست‌اندرکاران بررسی‌های امنیت از پیش‌بینی پایان جنگ سرد نشان از محدودنگری بیش از اندازه برداشت سنتی بود. همچنین جهانی‌شدن با آثار سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، زیست‌محیطی و نظامی و پیامدهای امنیتی بر هر کدام، تحول در برداشت سنتی امنیت را ضروری می‌ساخت. این امر در تغییر نگاه سیاستمداران جمهوری اسلامی به مقوله امنیت ملی و تحول نگاه آنها از حوزه سنتی به حوزه جدید نیز موثر بود.

تأمین امنیت جمهوری اسلامی ایران بعنوان یک واحد نظام بین‌الملل، همواره از دغدغه‌های دستگاه‌های سیاستگذاری و امنیتی کشور بوده است. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تمام ابعاد سیاست‌گذاری کشور دچار تغییر و دگرگونی شد. امنیت نیز از جمله ابعادی است که بعد از انقلاب اسلامی با توجه به شرایط داخلی و بین‌المللی، چندین بار شاهد تحول مفهومی و معنایی تحت عناوین رویکردهای امنیتی رشدمحور، حفظ‌محور و بسط‌محور گردید. اساساً نظام جمهوری اسلامی یک نظام ایدئولوژیک و مبتنی بر باورها و ارزش‌های اسلامی است. حاکمیت فضای ایدئولوژیک بعد از انقلاب باعث شد که نقش ایدئولوژی و باورهای دینی در سیاستگذاری‌های ملی و امنیتی گسترده‌تر گردد. اما با شروع جنگ و بویژه در دوران پس از جنگ، نوعی عمل‌گرایی بر سیاستگذاری‌های ملی بویژه سیاست‌های امنیتی حاکم شد. اما این عمل‌گرایی به معنای فاصله گرفتن از ایدئولوژی نظام و باورهای دینی نبود بلکه نوعی واقع‌نگری در رویه سیاستگذاران نظام جهت دستیابی به اهداف نظام مدنظر قرار گرفت و تلاش شد با تقویت توانمندی‌های داخلی در ابعاد اقتصادی و سیاسی- فرهنگی، نظام جمهوری اسلامی بعنوان الگوی مطلوب حکومتی معرفی شود. عبارتی سیاست‌های تدریجی جای سیاست‌های دفعی را جهت رسیدن به اهداف نظام گرفت. در دولت هاشمی، خاتمی و احمدی‌نژاد نسبت به وجود برنامه‌ای منسجم و ایجاد فضایی مناسب برای طرح تمامی ملاحظات واقعی کشور، نواقصی دیده می‌شود. با وجود کاهش فضای ایدئولوژیک در جامعه در هر سه دوره، شاهد غلبه هژمونیک یک عنصر بر سایر ملاحظات ملی در تدوین برنامه‌های امنیتی و ملی بودیم. دولت روحانی نه تنها با چنین پیشینه‌ای در حوزه امنیت، به قدرت

سیاسی دست یافت بلکه بسیاری از رای‌دهندگان به دولت وی، خواستار تغییر رویکردهای دولت‌های قبلی در جهت کاستن از مشکلات موجود بودند. به همین جهت دولت روحانی مجبور بود برای فائق آمدن بر این مسأله، رویکرد جدیدی در حوزه امنیت اتخاذ کند. با این توصیف، پرسش اصلی پژوهش این است که دولت اعتدال‌گرای حسن روحانی در دوره نخست تصدی مقام ریاست جمهوری، چه رویکردی را در حوزه امنیت در دستور کار خود قرار داده است؟ و به طور روشن‌تر؛ ابعاد، مولفه‌ها، مرجع، غایت و راهکارهای تامین امنیت در این رویکرد امنیتی چیست؟ فرضیه این است که دولت روحانی نگاهی چندوجهی، جامع و حداکثری نسبت به مقوله امنیت داشته و متاثر از الزامات میدان‌های اجتماعی تلاش کرده است امنیت را با توسعه و بخصوص توسعه اقتصادی - سیاسی پیوند زند. طبعاً مرجع امنیت در این رویکرد، ساختار سیاسی (دولت) در کنار ساختار اجتماعی (جامعه) یا دولت - شهروند است.

ادبیات پژوهش

با نگاهی گذرا به منابع و متون منتشر شده در حوزه امنیت، می‌توان دریافت که در زمینه رویکرد امنیتی دولت یازدهم، تقریباً هیچ پژوهش مستقل و جامعی انجام نشده است با این حال از منظر امنیت ملی ایران؛ تحقیقات چندی صورت گرفته است که در ادامه به برخی از مهمترین آنها اشاره می‌گردد:

حاجی یوسفی (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان «فرهنگ سیاسی و سیاست خارجی ایران، مطالعه مقایسه‌ای دوره احمدی‌نژاد و روحانی»؛ معتقد است تغییر فرهنگ سیاسی از یک فرهنگ سیاسی جزمی و متعصبانه در دوران احمدی‌نژاد به فرهنگ عمل‌گرا در زمان روحانی بیشترین تأثیر را در تغییر رفتار سیاست خارجی ایران داشته است. بومن، چوبین و احتشامی (۲۰۰۱) در کتاب «سیاست‌گذاری امنیتی ایران در دوره پس از انقلاب»؛ می‌نویسند سیاست امنیتی ایران را به سادگی نمی‌توان توضیح داد چرا که عوامل و متغیرهای گوناگونی مانند مذهب، ناسیونالیسم، قومیت، اقتصاد و ژئوپلیتیک در تعیین اهداف و تاکتیک‌های ایران در رابطه با جهان خارج تأثیر می‌گذارد. نجفی جویباری و بهرامی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «راهبرد امنیت جمهوری اسلامی ایران در دولت روحانی در پیشبرد منافع ملی»؛ معتقدند امنیت جمهوری اسلامی در دوران دولت یازدهم

متأثر از جهانی شدن در همه ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی (اجتماعی) همچون تعاریف جدید امنیتی و حضور فرامنطقه‌ای و امنیت سایبرنتیکی بوده است. دولت روحانی با راهبرد تعامل سازنده و سیاست تنش‌زدایی، شرق‌گرایی و مبارزه با افراط‌گرایی، نظم مورد نظر خود یعنی همان نظم منطقه‌ای پایدار را دنبال نمود. زرومی (۱۳۷۷) در مقاله‌ای با عنوان «گفتمان امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران»؛ معتقد است که علی‌رغم تحولات امنیتی ایران از درون‌نگری به برون‌نگری، از امت‌محور به ایران‌محور، از ایدئولوژیک تعهدگرایی به واقع‌بینی بیشتر؛ عامل اسلام در تمامی دوران‌ها مهمترین نقش را در ملاحظات امنیت ملی داشته است. پوستین‌چی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «قدرت نرم در گفتمان امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»؛ نتیجه می‌گیرد که گفتمان‌های امنیت ملی ایران ماهیت نامتقارن دارند و باید آن را در قالب «عدم تقارن فرهنگ‌محور» مورد ارزیابی قرار داد.

کاتزمن (۲۰۱۶) در مقاله‌ای با عنوان «ایران، امنیت خلیج فارس و سیاست ایالات متحده»؛ معتقد است که رئیس‌جمهور روحانی عمدتاً بر مذاکرات برجام، اصلاحات اقتصادی و بازسازی روابط اقتصادی ایران در سطح منطقه و بین‌المللی تمرکز کرده است و از این‌رو در پی تغییر سیاست‌های امنیتی ایران نبوده است. روحانی تا حدودی توانسته است سیاست‌های اجتماعی داخلی را تغییر و محدودیت‌های آزادی بیان را کاهش دهد. استیون دیتو (۲۰۱۳) در مقاله با عنوان «خوانش رئیس‌جمهور، تعهدات و مخاطرات رئیس‌جمهور جدید ایران» می‌نویسد؛ روحانی در طول مبارزات انتخاباتی سال ۲۰۱۳ «گفتمان مسلط» خود را در قالب «تعامل سازنده و عزتمندانه با جهان» تعریف و صورت‌بندی کرد. به اعتقاد روحانی، آشتی دادن دولت ایران با جامعه جهانی ارتباط نزدیکی با سلامت اقتصادی و اجتماعی ایران دارد. متئو مک‌لینس (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان «آینده سیاست‌گذاری امنیتی ایران» می‌نویسد؛ سیاست خارجی ایران با سه لایه هویتی متعدد و گهگاه متناقض ایرانی، اسلامی، شیعه و انقلابی گره خورده است. فهم دقیق اولویت‌های امنیتی و محاسبات استراتژیک ایران به این موضوع بستگی دارد که این کشور چگونه این جهان‌بینی‌های همپوشان و آرمان‌های متناقض را درهم می‌آمیزد. این موضوع در مورد تمامی دولت‌های ایران پس از انقلاب از جمله دولت حسن روحانی صدق می‌کند.

این بررسی کوتاه نشان می‌دهد که این نوشتار تمایزات بنیادینی با پژوهش‌های پیشین دارد. نخست اینکه مقاله مربوط به دوره اول دولت روحانی است که هیچ پژوهش مستقلی درباره آن دوره انجام نشده است؛ و دوم اینکه بر مبنای خوانش بری بوزان از امنیت به تحلیل موضوع پژوهش می‌پردازد.

بنیان نظری پژوهش؛ نظریه امنیتی بری بوزان

کپنهاگ اصطلاحی است که بیل مک سوئینی برای آثار و دیدگاه‌های بری بوزان، الی ویور، دو ویلد و برخی دیگر به کار برده است (Sweeney, 1996). مکتب کپنهاگ را می‌توان واکنشی نسبت به دیدگاه رئالیست‌ها و لیبرال‌ها نسبت به امنیت دانست در حالی که رئالیست‌ها در بحث امنیت، محوریت را به قدرت نظامی می‌دهند؛ لیبرال‌ها با خوش‌خیالی تامل امنیت را در دستیابی به صلح می‌دانند در واقع چارچوب تنگ و محدود دامنه امنیت در دیدگاه آنها در مکتب کپنهاگ اصلاح گردید (عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ۱۳۶-۱۳۷).

از این رو بوزان با انتقاد از نگاه حداقلی به مساله امنیت در دیدگاه سنتی رئالیست‌ها و لیبرال‌ها و با تاکید بر مفهوم تهدیدات وجودی، امنیت را به ابعاد پنج‌گانه نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی بسط می‌دهد. همچنین اصطلاح «امنیت جامعه‌ای» را برای نخستین بار در کتاب مردم، دولت‌ها و هراس به کار برد. وی امنیت جامعه‌ای را به مواردی همچون قابلیت حفظ الگوهای زبانی، فرهنگ، مذهب و عرف ملی مربوط دانسته است (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴). بوزان و ویور موضوع «امنیت جامعه‌ای» را هویت و پاسداری از هویت را هدف امنیت جامعه‌ای دانسته‌اند. زمانی می‌توان از استقرار امنیت جامعه‌ای سخن راند که گروه‌های موجود در جامعه برای حفظ هویت خویش از هرگونه آسیبی مصون بوده و بتوانند به روابط همکاری خود با سایر گروه‌ها ادامه دهند (Waver, 2009) بوزان و سایر محققین مکتب کپنهاگ امنیت جامعه‌ای را در بستر عواملی همچون دولت مقتدر، امنیت‌زدایی از مسائل، برجسته‌سازی تهدیدات غیرنظامی (زیست‌محیط، وجوه اجتماعی و سیاسی) تعریف می‌کنند، به عبارتی آنها ثبات و امنیت را برآمده از جامعه می‌دانند. به تعبیر بوزان سیاستی با موفقیت همراه است که قابلیت انتقال از فضای امنیتی به فضای

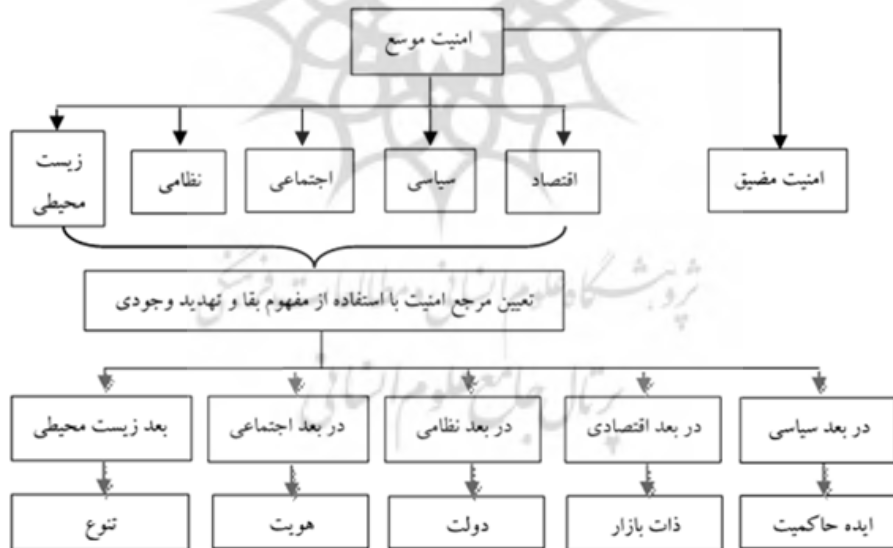
سیاسی را داشته باشد هر چند تهدید نظامی از جمله ملموس‌ترین تهدیدات برای مردم یک جامعه محسوب می‌گردد اما در دوران کنونی با توجه به ماهیت متفاوت تهدید، عناصر و عوامل جایگزین نقش موثری در دفع تهدیدات متنوع داخلی و خارجی یافته‌اند. بنابراین موضوع یا مرجع اصلی امنیت از نگاه مکتب کپنهاگ، جامعه یا ارزش‌های سنتی و از پیش موجود گروه‌های اجتماعی است (Waver, 1995: 14). این ارزش‌های سنتی مانند باورهای دینی، زبان، فرهنگ، نوع پوشاک، سبک زندگی و ... در مجموع «هویت» گروه‌های مختلف را تشکیل می‌دهند. از این منظر، امنیت ملی اساساً برآیند دفع تهدیدات اجتماعی است و دولت، یگانه مرجع امنیت نیست و امنیت آن با امنیت جامعه گره خورده است.

از حیث سطح تحلیل نیز مکتب کپنهاگ امنیت را در سطوح پنج‌گانه امنیت فردی، امنیت اجتماعی، امنیت ملی، امنیت منطقه‌ای و امنیت بین‌المللی مورد مطالعه قرار می‌دهد. با این حال مرکز ثقل مطالعات امنیتی از دید این مکتب، امنیت ملی است. امنیت ملی به الزاماتی اشاره می‌کند که بقای دولت ملی را از طریق بکارگیری قدرت اقتصادی، ارتش و توان سیاسی و استفاده از ابزار دیپلماسی حفظ نماید. به عقیده بوزان علی‌رغم گسترش تهدیدات به حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و زیست‌محیطی، تهدیدات نظامی هنوز هم در تفکر امنیتی دارای برتری نظری هستند و تا زمانی که سیاست بین‌الملل با ساختار آنارشی همراه است، اهمیت حیاتی آنها تداوم خواهد داشت. اما در عمل و بخصوص برای کشورهای بسیار توسعه‌یافته موجود، میزان اهمیت آنها در مقایسه با سایر تهدیدات در حال کاهش است (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۵۸). از سوی دیگر تهدیدهای سیاسی متوجه ۱- مشروعیت داخلی واحد سیاسی که عمدتاً به ایدئولوژی‌ها و دیگر اندیشه‌های سازنده و موضوعات تعریف‌کننده دولت باز می‌گردد، ۲- شناسایی دولت از سوی جهان خارج و مشروعیت خارجی آن است و ۳- تهدیدهای خارجی علاوه بر حاکمیت می‌توانند مشروعیت ایدئولوژیک آنرا نشانه روند (بوزان و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۲۰).

افزون بر این، دو عامل اساسی می‌تواند تهدیدات بخش اقتصادی را به تهدیدات وجودی تبدیل کند: اول اینکه این تهدیدات، بقای جمعیت کشور را مورد تهدید قرار دهند (Buzan, 1997: 17)؛ دوم آنکه تهدیدات و آسیب‌پذیری‌های اقتصادی، تأثیر استراتژیک بر بخش نظامی داشته باشد (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۵۱). هویت اما مفهوم

سازمان‌دهنده امنیت اجتماعی است. زمانی ناامنی اجتماعی وجود دارد که همبدهایی از هر نوع، تحول یا احتمالی را بعنوان تهدیدی برای بقای خودشان بعنوان یک همبود تعریف کنند (بوزان و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۸۴-۱۸۳). در بخش زیست‌محیطی نیز هدف مرجع بسیار گسترده است و موضوعات متنوع و گسترده‌ای را شامل می‌شود. از جمله موضوعاتی مانند بقای گونه‌های خاص یا انواع زیستگاه‌ها تا موضوعات پیچیده‌تر و گسترده‌تر مانند زلزله، خشکسالی و موارد بسیار گسترده‌تر مانند پاره‌گی لایه ازن و گازهای گلخانه‌ای در جو زمین را شامل می‌شود (Buzan, 1997: 17). اما در بیشتر مباحثات صورت گرفته در باب امنیت زیست‌محیطی، می‌توان موضوع دیگری را تشخیص داد. نگرانی از باب حفظ سطوح موجود تمدن، مطابق این دیدگاه موضوع نهایی امنیت زیست‌محیطی خطر از دست رفتن سطوح موجود تمدن- بازگشت به انواع بربریت اجتماعی- در عین قادر بودن به جلوگیری از چنین چیزی است (بوزان و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۲۴). در زیر وجوه امنیت در نظریه باری بوزان به صورت نمودار ارائه شده است.

نمودار ۱- چارچوب مفهومی امنیت در نظریه باری بوزان



جاذبه تحلیلی رویکرد نظری فوق برای این پژوهش این است که رویکرد دولت روحانی نیز همانند رویکرد مکتب کپنهاگ، تک‌وجهی نبوده و در پی آن است که وجوه

مختلف امنیت را به یکدیگر پیوند زند تا از این طریق با درآمیختن وجوه سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، بتواند پاسخ‌گوی نیازهای امنیتی جامعه ایران باشد. با این مقدمات نظری در ادامه ابتدا زمینه‌ها و عوامل تاثیرگذار بر شکل‌گیری رویکرد امنیتی جدید ایران در دولت روحانی را مورد بررسی قرار داده و سپس در ادامه با کاربرست نظریه امنیت بری بوزان به واکاوی شاخص‌های رویکرد امنیتی این دوره پرداخته می‌شود.

عوامل تاثیرگذار بر شکل‌گیری رویکرد امنیت حداکثری در دولت یازدهم

رویکردهای امنیتی به مثابه برساخت اجتماعی، پاسخی به بحران‌های اجتماعی‌اند و از تغییرات اجتماعی تاثیر می‌پذیرند و در درازمدت دچار دگرگونی می‌شوند. در همین راستا دولت روحانی نیز پس از به قدرت رسیدن در پی آن بود تا با اتخاذ رویکرد امنیتی جدید، تجلی‌گاه ترجیحات استراتژیک اجتماعی گردد. در ادامه به منظور فهم رویکرد امنیتی دولت روحانی لازم است ابتدا به بررسی الزاماتی که منجر به اتخاذ چنین رویکردی شده پرداخت.

الف- الزامات سیاسی

در طی دو سال منتهی به انتخابات یازدهم دوره ریاست جمهوری، میدان سیاست ایران تحت تاثیر روندهای سیاسی منتهی به آن با فضای نسبتاً بسته سیاسی و متعاقب آن سرخوردگی سیاسی بخش از جامعه مدنی مواجه بود. این امر بیشتر متأثر از فشار خارجی بود. رویکرد دولت نهم و دهم که وظیفه دولت جمهوری اسلامی ایران را ایجاد نظم جهانی اسلامی تلقی می‌کرد (دهقانی، ۱۳۸۶: ۸۰-۸۱) باعث واکنش‌های بین‌المللی گردید و همین امر با تحت فشار قرار گرفتن بخشی از لایه‌های اجتماعی منجر به سرخوردگی سیاسی گردید. رویکرد سیاست خارجی دولت نهم و دهم در دو بعد تبیینی و تخریبی به واسازی نظم و نظام بین‌الملل موجود پرداخت. در بعد تبیینی، از طریق توصیف و تبیین سرشت ناعادلانه وضع موجود و نظم مستقر، سعی کرد آن را غیر طبیعی ساخته و از آن مشروعیت‌زدایی کند و در گام دوم به تخریب و سپس تغییر نظم موجود برای استقرار نظم مطلوب پرداخت. این هدف با مقابله با نظام سلطه، تک‌قطبی و مناسبات ناعادلانه قدرت از یک طرف و مقابله و مبارزه با کانون‌ها و قطب‌های قدرت بین‌المللی،

مستکبران و ظالمان، انتقاد از سازمان‌ها، نهادها و قواعد و قوانین بین‌المللی دنبال شد (دهقانی، ۱۳۸۶: ۸۷). پیگیری چنین رویکرد تهاجمی در سیاست خارجی ایران از یک طرف باعث بسته شدن درهای بین‌المللی به روی ایران گردید و از سوی دیگر باعث تشدید روند ایران‌هراسی از سوی کشورهای مخالف نظام جمهوری اسلامی گردید (صدر، ۱۳۹۲). بنابراین با توجه به مشکلات پیش‌آمده در عرصه سیاست خارجی ایران، دولت جدید درصدد پیوند امور داخلی و خارجی از طریق تمرکز روحانی بر اهمیت پرونده هسته‌ای و پیوند آن با امنیت ملی ایران بود. در تاریخ انتخابات جمهوری اسلامی، مبارزات انتخاباتی روحانی احتمالاً نخستین رقابتی بود که عمدتاً بر محور یک موضوع سیاست خارجی تعریف می‌شد. در انتخابات پیشین، پرونده‌های سیاست خارجی نه برای رأی‌دهندگان و نه برای نخبگان سیاسی نقش اصلی یا اولویت تعیین‌کننده نداشت. این رویکرد و پیروزی در انتخابات موجب شد دولت روحانی، سیاست خارجی و بویژه پرونده هسته‌ای را اولویت دستور کار خود قرار دهد.

ب- الزامات اقتصادی

یکی از ابعاد امنیت ملی در هر کشوری، امنیت اقتصادی است. امنیت اقتصادی به معنی آن است که افراد جامعه برای پاسخ‌گویی به نیازهای اساسی خود در ابعاد اشتغال، معیشت، مسکن، پوشاک، آموزش، بهداشت و درمان، درآمد اقتصادی مطلوبی داشته باشند و دولت هم با برخورداری از رشد فزاینده و با دوام تولید ناخالص ملی، قادر باشد هزینه‌های عمرانی خود را با توجه به ضرورت‌های آینده جامعه تامین کند (تهامی، ۱۳۹۰: ۱۲).

یکی از عوامل اصلی شکل‌گیری رویکرد امنیتی جدید بعد از انتخابات ۱۳۹۲، وضعیت اقتصادی موجود و شکل‌گیری احساس محرومیت نسبی در میان اقشار اجتماعی بود، بطوریکه از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۲ روند اقتصادی در ایران باعث توزیع نابرابر درآمد شد. «سهم دهک بالایی (ثروتمندترین) به سهم دهک پایین (فقیرترین) علی‌رغم بهبود آن در طی سال‌های برنامه چهارم، به طور متوسط طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۲ بیش از ۱۶/۳ بوده است که در مقایسه با ارقام بین‌المللی، توزیع نابرابر درآمد را نشان می‌دهد. نسبت دهک بالا به دهک پایین درآمدی از میان کشورهای در حال توسعه در پاکستان ۶،

اندونزی ۷/۸، تایاند ۱۱/۳، ترکیه ۱۳/۹ و از میان کشورهای پیشرفته در فرانسه ۹، سوئیس ۸/۹ و آلمان ۶/۹ است. بدین ترتیب علی‌رغم افزایش درآمد سرانه ایرانیان طی سال‌های ریاست جمهوری احمدی‌نژاد، با وجود شکاف درآمدی چشمگیر میان دهک‌های بالا و پایین و سهم نابرابر این دهک‌ها از درآمد سرانه، روند نابرابری در برخورد از درآمد سرانه تداوم یافت. با وجود این برخی مولفه‌های اجتماعی، روند ادراک نابرابری در جامعه ایران را تشدید کرد (میربد، ۱۳۹۵: ۸۲). در این دوره در کنار فشار تحریم‌های اقتصادی غرب، دولت به دلیل افزایش قیمت نفت، به سیاست‌های انبساطی روی آورد و میل شدیدی به استفاده از درآمدهای نفتی پیدا کرد (مصطفوی، ۱۳۸۸: ۹۹). همین رویکرد دولت در سال‌های بعدی در کنار پرداخت نقدی یارانه‌ها با شیب تند باعث رشد تورم گردید بطوری که داده‌های مرکز ملی آمار ایران نشان می‌دهد تورم از ۱۰/۴ در سال ۱۳۸۴ به رقم ۴۰ درصد در شهریور ۱۳۹۲ رسید. مقایسه آمار نرخ بیکاری نیز در فاصله سال‌های ۸۴ تا ۹۰ نشان می‌دهد که در این دوره نرخ بیکاری در ۱۶ استان افزایش یافته بود که در پایان سال ۹۱ این تعداد به ۱۸ استان افزایش یافت (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۲). علاوه بر این، متوسط هزینه کل زندگی خانوار در شهرها و روستاها تغییر محسوسی داشت. بطوریکه متوسط هزینه کل یک خانوار روستایی، از ۳۷۵۰۲۹۵۲ ریال در سال ۱۳۸۴ به ۱۰۸۱۸۷۶۷۶ ریال در سال ۱۳۹۱ رسید. همچنین این آمار در شهرها از ۵۹/۲۴۲/۴۲۶ ریال در سال ۱۳۸۴ به ۱۶۴/۲۸۰/۶۲۱ ریال در سال ۱۳۹۱ افزایش یافت. میزان رشد اقتصادی کشور نیز در این دوره حالت نزولی داشته است. بطوریکه میزان رشد اقتصادی کشور در تولید ناخالص داخلی از ۶/۱۹ در سال ۱۳۸۴ به ۵/۴- در سال ۱۳۹۱ رسید و میزان رشد تولید ناخالص داخلی بدون نفت از ۶/۵۱ سال ۱۳۸۴ به ۳/۱- درصد در سال ۱۳۹۱ رسید. در کنار مقوله رشد اقتصادی، پدیده مسکن نیز در این دوره نقش اساسی در صعود قیمت‌ها و مشکلات اقتصادی داشت بطوریکه قیمت مسکن و اجاره نیز در این دوره با سرعت بالایی رشد یافت بطوریکه اجاره زیربنای مسکونی (هر ۱۰۰ متر مربع) در سال ۱۳۸۴ برابر با ۱۴۹۰۰۰۰ ریال بود که این میزان در سال ۱۳۹۱ به ۵۲۸۰۰۰۰ ریال رسید و قیمت زیربنای مسکونی (هر متر مربع) از ۳۰۶۰۰۰۰ ریال به ۹۸۰۰۰۰۰ ریال افزایش یافت (سایت مرکز آمار ایران، ۱۳۹۲).

بطور کلی مجموعه عوامل اقتصادی یاد شده عاملی برای تقویت احساس محرومیت نسبی در جامعه و گرایش به سمت ایجاد پاسخ مناسب در مقابل وضعیت حاضر گردید. این نارضایتی در برخی افراد جامعه به صورت رای به جدی‌ترین و مصمم‌ترین گرایش تغییر وضع موجود در عرصه انتخابات یعنی حسن روحانی و حامیانش بازتاب یافت و خود همین امر یکی از عوامل اصلی تغییر رویکرد امنیتی ایران در دولت ایشان گردید.

پ- الزامات زیست‌محیطی

ایران بعنوان یکی از کشورهای قدرتمند در خاورمیانه و منطقه خلیج فارس همواره در معرض تهدیدات زیست‌محیطی قرار داشته است. نتایج نشان می‌دهند عواملی همچون آلودگی آب رودخانه‌ها و دریاها، خشکسالی، تغییرات آب و هوا و افزایش جمعیت و مهاجرت، در ایجاد ناامنی و برهم زدن نظم عمومی و از همه مهم‌تر بر امنیت ملی ایران تأثیرات قابل توجهی دارند (پیشگاهی‌فر و جاجرمی، ۱۳۹۲: ۱۹۳). در این زمینه توجه به برخی نتایج پژوهش‌های خارجی در مورد شرایط زیست‌محیطی ایران بویژه پژوهش‌های بانک جهانی و دانشگاه بیل، درخور توجه و بیانگر این حقیقت است. شاخص جهانی عملکرد زیست‌محیطی سال ۲۰۱۳ که به صورت دوره‌ای توسط این دانشگاه منتشر می‌شود، بازگوکننده آن بود که ایران بین ۱۳۲ کشور جهان با کسب نمره ۴۲/۷۳ در مقام ۱۱۴ قرار گرفته است. این در حالی است که کشور ما در سال ۲۰۰۸ در رتبه ۶۷ جهان و در سال ۲۰۱۰ در رتبه ۷۸ قرار داشته است. نکته قابل توجه آن است که هیچ کشوری در بین دو اندازه‌گیری متوالی بیش از ۳۰ پله تنزل نکرده اما ایران در اندازه‌گیری اخیر ۳۶ پله تنزل داشته است (اصلی‌پور و شریف‌زاده، ۱۳۹۴: ۲۷۴). همانطور که گری‌لویس^۱ در گزارش خود در سال ۲۰۱۲ ارائه کرده است، پنج چالش محیط زیستی ایران که امنیت انسانی را به مخاطره می‌اندازد به شرح زیر می‌باشد: اول کم‌آبی، دوم آسیب‌دیدگی و فرسایش خاک، سوم بحران انرژی، چهارم آلودگی هوا و پنجم خسارت از دست رفتن تنوع زیستی است (Lewis, 2014: 9-17).

بر اساس پیش‌بینی سازمان ملل، ایران از جمله کشورهایی خواهد بود که در سال ۲۰۲۵ با کمبود مزمن آب روبه‌رو خواهد شد (پیشگاهی‌فرد و جاجرمی، ۱۳۹۲: ۲۰۹). در

۱. هماهنگ‌کننده مقیم سازمان ملل متحد و نماینده مقیم برنامه توسعه ملل متحد در ایران

این میان بخش عظیمی از اقتصاد ملی ایران وابسته به بخش کشاورزی است و کمبود آب و خشکسالی می‌تواند عامل چالش برانگیزی در امنیت ملی و اقتصادی ایران باشد. در واقع سهم بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی ۱۱/۴ درصد است و ۲۵ درصد اشتغال، ۲۳ درصد صادرات کالاهای غیرنفتی، ۸۰ درصد خوراک کشور و ۹۰ درصد نیاز مواد اولیه صنایع را تامین می‌کند (حسینی، ۱۳۸۷: ۲۸۰). در دوره مزبور مدیریت منابع آب کشور با مشکلات جدی مانند محدودیت تامین آب و مصرف آن، عدم توازن بین تامین و مصرف، عدم آمادگی برای مقابله با بحران‌های طبیعی و اجتماعی مانند خشکسالی، سیلاب، تخریب شبکه آبرسانی در اثر زلزله، عدم وجود سیاست‌های شفاف برای بهره‌برداری از آب مرزی مشترک و... روبه‌رو بوده است (روحانی، ۱۳۹۰: ۲۶۰).

در کنار این امر، در این دوره فرسایش خاک یک تهدید امنیتی بود که باعث می‌شود سالانه معادل یک میلیون هکتار زمین‌های کشاورزی تخریب شود. پیامدهای فرسایش خاک، افزون بر ۲۳۶ میلیون متر مکعب رسوب‌گذاری در مخازن پشت سدها و به میزان حدود دو برابر رسوب‌گذاری در شبکه‌های آبیاری و زهکشی مدرن و سنتی و خارج از دسترس شدن هزاران هکتار زمین کشاورزی بود (کاویانی‌راد، ۱۳۸۹: ۴۸-۴۷) در کنار تهدید طوفان شن، طبق نظر کارشناسان اکولوژی طبیعی ایران، سالانه یک میلیون هکتار به وسعت بیابان‌های کشور افزوده می‌شد (پیشگاهی‌فرد و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۱۱). علاوه بر این، آلودگی هوا یکی از مهمترین تهدیدهای امنیتی در دوره مزبور بود. در شهرهای بزرگ، آلودگی هوا بر حدود ۳۵ تا ۴۰ میلیون نفر تاثیر می‌گذاشت. از جمله شهرهایی که با آلودگی هوا به طور آشکار و بارزی مواجه شد، کلان‌شهر تهران بود. آلودگی هوای این کلان‌شهر در سال ۱۳۸۸ شمسی ۳۸ برابر استانداردهای جهانی اعلام شد و کیفیت هوای تنفسی این شهر، طی مدت یک سال در شرایط ناسالم قرار داشت (پیشگاهی‌فرد و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۱۴).

بنابراین الزامات زیست‌محیطی یادشده موجب گردید دولت روحانی در اتخاذ رویکرد جدید خود یکی از تاکیدات اصلی را بر بهبود وضعیت محیط زیست بگذارد و از این منظر خود را دولت محیط‌زیستی بنامد.

ت- الزامات اجتماعی

یکی از ویژگی‌های بارز کشور ایران، قرار گرفتن آن در زمره جوامع برخوردار از تنوع و شکاف‌های قومی و مذهبی است. اقوام در کشور تا حدودی از انسجام و همگونی اجتماعی برخوردارند ولی بی‌توجهی یا کم‌توجهی به حساسیت‌زا بودن مقوله قومی باعث امنیت‌زدایی از کشور می‌شود. در دوره مزبور، قطب‌بندی دو شکاف اصلی تشدید شدند بطوری که در زمینه شکاف مذهبی با به قدرت رسیدن احمدی‌نژاد و با توجه به هجوم تبلیغاتی که قبل از انتخابات علیه ایشان صورت گرفته بود، اهل سنت احساس نگرانی کردند و بر حساسیت آنها نسبت به دولت افزوده شد. هر چند احمدی‌نژاد در عمل به شعارهای اقتصادی و آبادگری خود از استان‌های محروم شروع کرد و به استان‌های سیستان و بلوچستان و کردستان هم طبق برنامه رفت، اما نگرانی اهل سنت از عملکرد مذهبی این دولت، هم‌چنان وجود داشت (بی‌نا، ۱۳۸۵: ۲۲). در کنار این امر، نماز جمعه اهل سنت تهران که در سال‌های گذشته در یک مدرسه پاکستانی در تهران برگزار می‌شد، از زمان روی کار آمدن دولت نهم متوقف شد. علاوه بر این، مصوبه ۸ آبان ۱۳۸۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی^۱ در خصوص برنامه‌ریزی مدارس علوم دینی اهل سنت از سوی ایشان دخالت دولت در امور اهل سنت و فراتر از قانون اساسی تلقی گردید که جلوی آزادی عمل آنها بر مبنای فقه خود را می‌گیرد.

در کنار شکاف مذهبی، شکاف قومی را نیز باید مورد توجه قرار داد. در تشدید شکاف قومیتی در ایران عوامل مختلفی دخیلند. نخستین عامل، ذهنی است (یعنی همبستگی قومی که نسبت به خود احساس همدردی و نسبت به دیگران احساس بیگانگی ایجاد کند) که این مولفه در ایران از طریق تحقیر خرده‌فرهنگ‌ها از سوی بعضی نهادها، تشدید و بازتولید می‌شود (احمدی، ۱۳۸۷: ۷۳). دومین عامل در این ارتباط نقش کارگزاران نهضت قومی یا همان نخبگان و سازمان‌های قومی است که از شکاف قومی سوء استفاده می‌کنند و سومین عامل همان متغیر بین‌المللی و تشدید هویت‌طلبی قومی از طریق این عامل است که در این میان می‌توان به نقش کشورهای بزرگ مثل آمریکا و انگلیس و نیز نقش کشورهای منطقه مثل عربستان، ترکیه و

۱. برای اطلاع بیشتر به سایت زیر مراجعه شود:

آذربایجان در ارتباط با ایران اشاره کرد. اما شاید در این میان مهمترین عامل، مولفه‌های عینی باشند. به طور کلی زندگی مردم در اغلب استان‌های مرزی کشور پایین‌تر از سطح زندگی متوسط مردم ایران است. برای نمونه؛ شاخص توسعه انسانی که ترکیبی از برخورداری جمعیت از امید به زندگی، نرخ باسوادی، هزینه‌های ناخالص سرانه و... است، در بیشتر استان‌های قومیتی ایران در سطح پایینی قرار دارد. اگر استان‌های کشور را از نظر نرخ رشد شاخص‌های توسعه انسانی و اجتماعی در رده‌های مختلف برخوردار، نیمه‌برخوردار و محروم تقسیم کنیم، متأسفانه اغلب قومیت‌ها در رده استان-های محروم قرار می‌گیرند که خود مهمترین علت نارضایتی آنهاست (امیدی، ۱۳۸۶). چنانکه آمار نشان می‌دهد درصد شرکت‌کنندگان در انتخابات و اعتماد به نظام در مناطق محروم قومیتی مثل کردستان در دور دهم ریاست جمهوری نسبت به دور نهم رو به افزایش بود بطوری که میزان مشارکت از ۳۷ درصد در دوره نهم به ۵۴ درصد در دوره دهم رسید و این افزایش مرهون نقش سیاست توسعه مناطق محروم در دولت دهم بود (فرهادی، ۱۳۹۲: ۱۶). به طور کلی مجموع چهار عامل یادشده شرایطی را ایجاد کرده بودند که منجر به قطبی شدن شکاف‌های قومیتی در ایران گردیدند که این امر به لحاظ امنیتی، کشور ایران را در وضعیت خطرناکی قرار می‌داد و همین امر ضرورت اتخاذ رویکرد امنیتی جدید را ایجاد کرده بود.

جدول ۱- رویکرد دولت روحانی به مقوله امنیت (ابعاد، مولفه‌ها و راهکارها)

رویکرد امنیتی	مرجع امنیت	ابعاد امنیت	مولفه‌های امنیت	راهکارها و ابزارهای تامین امنیت
- نگاه حداکثری به امنیت - رویکرد جامعه‌ای (امنیت اجتماع پایه)، - پیوند امنیت با توسعه	مردم و دولت	اقتصادی	اقتصادی، تکیه بر استقلال، رفاه اقتصادی مقاومتی، تعامل سازنده و موثر با اقتصاد جهانی	دیپلماسی اقتصادی؛ (بهره‌گیری از دستاوردهای اقتصادی برجام) آزادسازی عرضه تجاری ایجاد بسترهای سرمایه‌گذاری خارجی

ادامه جدول ۱-

رویکرد امنیتی	مرجع امنیت	ابعاد امنیت	مؤلفه‌های امنیت	راهکارها و ابزارهای تامین امنیت
		سیاسی	پاسخگویی و مسئولیت- پذیری حکومت، تقویت آزادی‌های سیاسی، تقویت اعتماد سیاسی، افزایش مشروعیت سیاسی، نهادینه‌سازی حقوق شهروندی، عقلانی‌سازی روابط دولت- ملت، درک شرایط و مقتضیات نظم و ساختار بین‌المللی	افزایش نقش شورای شهر در مدیریت یکپارچه شهری، افزایش اختیارات مدیران منطقه‌ای و محلی، اجرایی کردن فرمان ۸ ماده‌ای حضرت امام منطبق با شرایط روز، موضع‌گیری پراگماتیستی در سیاست خارجی، بهره‌گیری از دستاوردهای سیاسی برجام، تنش‌زدایی و بازسازی روابط با غرب و کشورهای منطقه،
		اجتماعی	عدالت اجتماعی، تقویت سرمایه اجتماعی، توسعه انسانی عادلانه و پایدار، تقویت فرهنگ شهروندی مسئولانه، انسجام اجتماعی، احترام به تنوع فرهنگی جامعه	تاکید بر و بهره‌گیری از عناصر وحدت بخش اسلام، زبان فارسی، سرمایه‌های فرهنگی و پیشینه تاریخی، توجه به مطالبات قومی، تدریس زبان مادری در مدارس و دانشگاهها، برگزاری کلاس‌های آموزشی آزاد در فرهنگسراها و آموزشگاهها، تقویت همکاری‌ها با دولت‌های همسایه جهت کنترل سازمان‌ها و گروهک‌های افراطی و شورش‌ی مناطق مرزی
		نظامی	رنالیسم تدافعی، آمادگی دفاعی و بازدارندگی	تلاش برای حل مناقشه هسته‌ای، بهره‌گیری از دستاوردهای برجام، تقویت توان موشکی کشور، حمایت از محور مقاومت در منطقه
		زیست محیطی	حکمرانی سبز، اقتصاد سبز	راهکارهای حقوقی و اجرایی مانند؛ تصویب فصل مالیات سبز بر درآمدها، احیا و فعال کردن شورای عالی حفاظت محیط زیست، تهیه و تصویب لایحه هوای پاک، حذف توزیع بنزین پتروشیمی، اجرای استاندارد یورو ۴ برای خودروهای سبک داخلی، تقویت نقش و جایگاه مشارکت مردمی و نهادهای مدنی در حوزه محیط زیست و... دیپلماسی سبز، شرکت در نشست‌ها و مجامع بین‌المللی، انعقاد تفاهم‌نامه با کشورهای مختلف (مانند تفاهم‌نامه با عراق در زمینه کنترل ریزگردها) و...

ابعاد و مولفه‌های رویکرد امنیت ملی دولت روحانی

دولت روحانی با رویکرد «حداکثری» به امنیت درصدد بوده با کنارهم قرار دادن عناصر جدید اجتماعی، به هم‌نشینی ابعاد نرم‌افزاری و سخت‌افزاری امنیت دست یابد و از این منظر امنیت ملی را بهبود بخشد. بر این اساس؛ تبدیل ابعاد امنیتی - نظامی پرونده هسته‌ای به بعد سیاسی و حقوقی، اعتمادسازی با جهان خارج، گسترش روابط بین‌المللی، کاهش فضای امنیتی و ایجاد هم‌کنشی اعتدالی در داخل، خروج از رکود اقتصادی، کاهش تورم و برداشتن تحریم‌های اقتصادی، حفظ و گسترش انسجام اجتماعی و مقابله با آسیب‌های اجتماعی، مقابله با تهدیدهای زیست‌محیطی به ترتیب در تناظر با ابعاد نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی امنیت قرار می‌گیرند. در ادامه با بهره‌گیری از نظریه کپنهاگ مولفه‌ها و ابعاد رویکرد امنیتی مزبور را در جهت تعیین راهبردهای متناسب با آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف - امنیت اقتصادی

بی‌گمان یکی از اولویت‌های استراتژیک جمهوری اسلامی ایران، استقلال و امنیت اقتصادی بوده است که خود را بصورت ناسیونالیسم اقتصادی نشان داده است (Adib Moghaddam, 2019: 48). پیرو این خط‌مشی، دولت روحانی نیز پس از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری، اولویت ویژه‌ای را به عرصه دیپلماسی اقتصادی داد. به نظر می‌رسد که همین اولویت یکی از دلایل انتخاب حسن روحانی از سوی مردم در سال ۱۳۹۲ بود چرا که از منظر مردم، روحانی بهتر می‌توانست امنیت اقتصادی را از طریق گسترش روابط بین‌الملل برای مردم تامین نماید (Shanahan, 2015: 2). در پاسخ به این ضرورت، دولت حسن روحانی ضمن بهره‌گیری از مولفه‌های اقتصاد مقاومتی جهت افزایش استقلال اقتصادی ایران، درصدد برآمد تا از طریق دیپلماسی کارآمد دست به همکاری با نظام جهانی بزند و با بهره‌گیری از فرصت‌های بین‌المللی، بسترهای لازم برای تامین و ارتقای امنیت در حوزه اقتصادی را هموار سازد. از این‌رو روحانی به محض در اختیار گرفتن مسئولیت اجرایی کشور، کابینه خود را «کابینه کاری» اعلام کرد و الگوی خود را الگوی ایرانی - اسلامی قرار داد. از منظر ایشان در این الگو، «ثروت» و «دانش و فناوری» بستر ساز «توسعه» و توسعه مقوم «عدالت» و «امنیت» خواهد بود. باید اذعان داشت

که با توجه به راهبردهای کلان دولت روحانی که سیاست‌های اقتصادی کشور را در راستای «تعامل سازنده و موثر با اقتصاد جهانی» و اتخاذ سیاست‌های آزادسازی در عرصه تجاری، سرمایه‌گذاری و تولید قرار داده است، راهبرد اقتصاد مقاومتی نیز با تاکید بر نقش عوامل و ظرفیت داخل در توسعه کشور، اقتصاد ملی را اقتصادی برای همه شرایط کشوری دانسته که ارتباطی به شرایط تحریم و غیرتحریم ندارد. چنین اقتصادی را می‌توان «درونزا و برون‌نگر» دانست. بنابراین باید عنوان کرد که برنامه‌های دولت روحانی با اتخاذ ترکیبی از این دو راهبرد در عرصه روابط اقتصاد خارجی حرکت می‌کند که برگرفته از خط‌مشی اعتدال‌گرایی است (Tabatabai, 2019: 24).

ایشان برای غلبه بر مشکلات اقتصادی در جهت افزایش امید به زندگی و کاستن از تهدید بقای جمعیتی و نیز در جهت کاهش آسیب‌پذیری‌های اقتصادی و تاثیرات استراتژیکی منفی آن بر امنیت ملی، با تکیه بر راهبردهای زیر به عملی کردن الگوی توسعه مورد نظر دولت در حوزه اصلاح اقتصاد روی آورد: ۱- انقباض در عرضه، ۲- انبساط در تقاضا، ۳- انعطاف در محیط. راهبرد وی در حوزه انرژی نیز عبارت بود از: توسعه صنعت و استفاده از سایر انرژی‌های تجدیدپذیر و بکارگیری انرژی هسته‌ای (روحانی، ۱۳۸۹: ۱۶۷-۲۴۹). نتایج چنین رویکردی در پایان سال ۱۳۹۶ عبارت بودند از: رشد اقتصادی سالانه ۷٪، کاهش نرخ تورم از ۴۰٪ به کمتر از ۱۰٪، رشد صادرات نفت به سطح پیش از تحریم و جذب ۱۲ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی (Mousavian, 2018).

با این حال، پیش‌شرط تحقق راهبرد فوق در داخل، کسب موفقیت از طریق ابزار دیپلماسی اقتصادی در عرصه سیاست خارجی بود. حسن روحانی در مبارزات انتخاباتی خود قول داده بود تحریم‌ها به مثابه پیش‌شرط دستیابی به اصلاحات اقتصادی پایان یابد. بر این اساس، دولت وی حل مناقشه هسته‌ای که معتقد بود عامل اصلی امنیتی‌شدن کشور به شمار می‌رود را در دستور کار خود قرار داد. روحانی معتقد بود که مخالفان ایران از مساله هسته‌ای برای اعمال فشار، تحریم و منزوی کردن ایران استفاده کرده‌اند. آنها درصدد بودند که به سازشی سودمند دست یابند که هم حقوق هسته‌ای ایران را حفظ کند و هم اینکه موانع تعامل منطقه‌ای و بین‌المللی ایران برداشته شود. از منظر دولت ایشان یک توافق موفقیت‌آمیز امکان داشت تهدید هسته‌ای ایران را کاهش داده و مولفه‌های

توسعه اقتصادی را گسترش دهد (Shanahan, 2015: 4). از این رو، روحانی تلاش کرد تا با برقراری تعاملی منطقی‌تر و حتی را در برخی موارد عرضه تصویر اجتماعی لیبرالی از دولت در صحنه بین‌المللی، این گره کور را باز کند. در راستای این سیاست، روابط ایران تا حدودی با غرب بهبود یافت و حتی در طی دوره باراک اوبامای دموکرات (۲۰۰۹-۲۰۱۷) برای مدت کوتاهی یخ روابط ایران و آمریکا ذوب شد. وعده اصلی روحانی برای حل بن‌بست هسته‌ای پیچیده، سرانجام در سال ۲۰۱۵ به برجام^۱ (برنامه جامع اقدام مشترک) بین ایران آمریکا و چهار کشور عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل به اضافه آلمان موسوم به ۵+۱ ختم شد (Saikal & Vestenskov, 2020). در پی روزنه‌ای که در سایه برجام به روی کشور گشوده شد، دولت حسن روحانی در چهار سال نخست ریاست جمهوری خود توانست اقتصاد کشور را از سقوط نجات دهد، رشد اقتصادی منفی را به رشد اقتصادی ۷٪ برساند، تورم ۴۰٪ را به ۹٪ کاهش دهد، صادرات نفت را به شرایط ماقبل تحریم‌ها بازگرداند و حدود ۱۲ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی جذب کند (سلطانی، ۱۳۹۷). برجام فرصت‌های اقتصادی خوبی برای گسترش روابط تجاری، دستیابی به فناوری و افزایش صادرات نفت در اختیار ایران قرار داد. در واقع در سطح کلان اقتصادی، اصلاحات روحانی در ابتدا نتایج خوبی به همراه داشت، تورم را کاهش داد و رشد منفی زمان ریاست جمهوری احمدی‌نژاد را معکوس نمود. با این حال پس از خروج ترامپ از این توافقنامه، شرایط و مفاد این توافق هرگز به طور کامل اجرا نشد (بانک جهانی ۲۰۱۶).

روی هم‌رفته، حسن روحانی برای غلبه بر کاستی‌های اقتصادی در جهت افزایش مشروعیت نظام و امنیت ملی از طریق توسعه اقتصادی به سوی راهبردهای بازار آزاد و تنش‌زدایی با غرب و کاستن از فشار نظام جهانی از طریق برجام گام برداشت.

ب- امنیت سیاسی

بر پایه رویکرد مکتب کینهاک، امنیت سیاسی یکی از مولفه‌های مهم امنیت ملی می‌باشد و به معنای آن است که علیه آزادی‌های سیاسی افراد، احزاب، ساختارهای سیاسی، فعالان سیاسی و روند مطلوب و اثربخش اداره امور داخلی و خارجی کشور، تهدیدی وجود

نداشته باشد و اداره امور مملکت نیز تنها بر اساس منافع ملی و با استفاده از روش‌های قانونی و توسط حکومتی پاسخگو در عرصه‌های داخلی و خارجی صورت گیرد (تهامی، ۱۳۹۰: ۱۱۶). دولت اعتدال پس از پیروزی در انتخابات در سال ۱۳۹۲ به منظور بازسازی روابط دولت و ملت، رویکرد عقلانی کردن کنش سیاسی و دور کردن فضای سیاسی از وضعیت ملتهب و هیجانی، به طور کلی تقویت کارآمدی نظام سیاسی در پیش گرفت. به طور کلی تحلیل امنیت سیاسی در دولت روحانی را در دو عرصه داخلی و خارجی باید پی گرفت.

در عرصه داخلی، حسن روحانی راهکارهای زیر را در حوزه امنیت سیاسی در دستور کار خویش قرار داد: «افزایش مشارکت مردم و تضمین مردم‌سالاری؛ همزیستی مسالمت‌آمیز همه ادیان و مذاهب و اقوام در گستره سرزمینی ایران اسلامی؛ ایجاد آرامش برای فعالان عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی؛ تبدیل قانونگرایی به ارزش اجتماعی و منش عمومی؛ تضمین حقوق و آزادی‌های عمومی مصرح در قانون اساسی و نهادهای حقوق شهروندی» (روحانی، ۱۳۹۲). روحانی برای دستیابی به اهداف راهبردی فوق، شیوه‌ها و ابزارهای زیر را بکار گرفت: «توسعه و تقویت نهادهای مردمی، محلی و منطقه‌ای، افزایش نقش شورای شهر در مدیریت یکپارچه شهری، تلاش برای واگذاری و افزایش اختیارات به مدیران منطقه‌ای و محلی، پشتیبانی از فعالیت احزاب قانونی در چارچوب افزایش نقش آنان در اداره جامعه، افزایش تعامل مؤثر میان دولت و اقوام، نژادها و مذاهب و پاسداری از حقوق شهروندان، ممانعت از امنیتی‌شدن عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، زیست‌محیطی، شفاف‌سازی و قانونمندی انتخابات، اجرایی کردن فرمان هشت ماده‌ای حضرت امام (ره) منطبق با شرایط روز را دنبال کرد (روحانی، ۱۳۹۲).

از منظر خارجی، حسن روحانی در دولت اول خود رویکرد مبتنی بر تمرکزگرایی پراگماتیستی یا عمل‌گرایی را در سیاست خارجی ایران در پیش گرفت. مهمترین اهداف رویکرد امنیت سیاسی دولت روحانی در عرصه خارجی عبارتند از: غیرامنیتی کردن موقعیت ایران در نظام بین‌الملل؛ تصحیح چهره جهانی جمهوری اسلامی؛ تنش‌زدایی، بازسازی و اصلاح تعاملات با قدرت‌های مؤثر بین‌المللی در جهت منافع ملی؛ عادی‌سازی و بهبود روابط با کشورهای همسایه و تقویت روابط سازنده با کشورهای غیرمتخاصم؛

مدیریت، کاهش و حذف تحریم‌های بین‌المللی، چندجانبه و یکجانبه؛ تأثیرگذاری سازنده بر روند تحولات جهانی بویژه در حوزه‌های مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی و جلوگیری از اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی؛ تقویت نقش الهام‌بخشی ایران و گفتمان اصیل انقلاب اسلامی و تلاش برای همگرایی میان کشورهای اسلامی (روحانی، ۱۳۹۲).

در راستای عملیاتی نمودن اهداف فوق، چنانکه پیشتر نیز اشاره شد، دولت روحانی در زمینه بهبود روابط با غرب تلاش زیادی کرد که ثمره آن طی سه سال بعد ذوب شدن یخ‌های روابط ایران و امریکا و دستیابی به موافقت‌نامه برنامه جامع بود. شاید به جرات بتوان «توافق هسته‌ای» را مهم‌ترین دستاورد دولت در عرصه سیاست خارجی دانست. چرا که جمهوری اسلامی ایران به خاطر برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای خود بعنوان عاملی «ناامن کننده» در نظام بین‌الملل معرفی و به همین بهانه تحریم‌های بسیاری بر کشورمان تحمیل شده بود (Akbarzade, 2016: 46-50). در همین راستا، توسعه روابط همه‌جانبه و پایدار با همسایگان از مهم‌ترین راهبردها و اولویت‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت روحانی به شمار می‌رود که نقش مؤثری در بازدارندگی در برابر منابع بی‌ثباتی در منطقه و مقابله با آثار تحریم‌ها داشته است، این سیاست اغلب با ابزارهای قدرت نرم صورت می‌گیرد.

پ- امنیت اجتماعی

به نظر می‌رسد رویکرد سنتی جمهوری اسلامی ایران در حوزه امنیت، رویکرد دولت-محور بوده است که بیشتر بر نقش نخبگان سیاسی در حوزه امنیت تأکید می‌کرد به همین جهت در این رویکرد، نخبگان سیاسی در نهایت مسئول چالش‌هایی بودند که برای دولت و جامعه پیش می‌آمد (کریمایی، ۱۳۹۵: ۱۵۶). اما با روی کار آمدن دولت حسن روحانی تغییر ماهوی در نگاه به امنیت ایجاد شد بطوریکه به «امنیت اجتماعی» بعنوان منبع اصلی امنیت ملی توجه شد و اجتماع در کنار دولت به مرجع امنیت تبدیل گردید.

چنانکه پیشتر اشاره شد، امنیت در دولت روحانی تعریف حداکثری و به تعبیر مکتب کپنهاگ رویکرد «جامعه‌ای» به خود گرفت و عرصه‌های مختلف فرهنگ، سلامت، تغذیه، بهداشت، معیشت و رفاه، انسجام خانوادگی و اجتماعی و... را دربر گرفت. تحقق چنین برداشتی از امنیت، سبب توسعه رضایت خاطر و آرامش در جامعه گردید. این

دولت درصدد برآمد تا با توسعه اجتماعی دست به ایجاد اجماع ملی بزند و از این منظر راهبرد توسعه یافته از امنیت را دنبال کند (نجفی و بهرامی، ۱۳۹۷: ۱۳۷). دولت یازدهم بر مبنای شرایط کشور، خواسته‌ها و مطالبات مردم کوشید تا توسعه اجتماعی را با اهداف راهبردی زیر پیگیری کند: دستیابی به جامعه‌ای اخلاقی و دیندار؛ تحقق توسعه انسانی عادلانه و پایدار؛ شهروندانی با حقوق و آزادی مسئولانه؛ دستیابی به جامعه‌ای با حداقل خشونت؛ ایجاد جامعه‌ای به دور از فقر، فساد و تبعیض؛ انسجام اجتماعی با حفظ تنوع فرهنگی و تحقق خانواده‌های شاد و امیدوار.

دولت روحانی جامعه ایران را به مثابه جامعه‌ای متنوع که در آن اقوام و گروه‌های مذهبی متفاوت با زبان‌ها، فرهنگ‌ها و غنای فرهنگی متکثر قرن‌ها در کنار یکدیگر زیست مسالمت‌آمیزی داشته‌اند، به رسمیت شناخت. در عین حال دولت بر این باور بود که تأمین همبستگی، وحدت، تمامیت ارضی و رشد یکپارچه در چارچوب این تکثر خلاق امکانپذیر است. بنابراین دولت ضمن تأکید بر حفظ و تقویت عناصر وحدت‌بخش نظیر اسلام، خط و زبان فارسی، سرمایه‌های فرهنگی و پیشینه تاریخی و فرهنگی همه ایرانیان را سرمایه‌ای جاودان و خلاق برای جامعه ایرانی و سرمنشاء وحدت ملی در عین کثرت فرهنگی ایرانیان دانسته و می‌کوشید تا حافظ انسجام اجتماعی و ملی در قالب تکثر موجود باشد. پیرو این مسئله؛ دولت روحانی با اتخاذ رویکردی میانه‌رو تلاش کرد تا برخی مطالبه‌های قومی را مرکز توجه قرار داده تا بدین وسیله نشان دهد که یکی از اهداف مهم و اصلی این دولت، مسئله انسجام اجتماعی در بعد قومی و مذهبی آن است. وی در سومین بیانیه انتخاباتی خود متعهد شد در صورت کسب رای، اصول قانون اساسی را در این زمینه به طور کامل به اجرا گذارد و به مشارکت لازم تمامی اقوام و زبان‌ها، واگذاری امور محلی و منطقه‌ای به آنها، تدریس زبان مادری در مدارس و دانشگاه‌ها، رعایت حقوق پیروان سایر ادیان و مذاهب، تغییر نگاه امنیتی به اقوام و فرهنگ‌های ایرانی و واگذاری مسئولیت‌های برنامه‌ریزی و هماهنگی‌های لازم به یکی از معاونین رئیس‌جمهور اقدام کند. اگر چه تمامی این وعده‌ها به واقعیت نپیوستند اما بخشی از آن‌ها مانند تدریس زبان کردی و ترکی و برگزاری کلاس‌های آموزشی آزاد در فرهنگسراها و آموزشگاه‌ها محقق گردید.

یکی از تهدیدهای امنیتی در حوزه اجتماعی در ایران، ناآرامی‌های نواحی حاشیه‌ای و مناطق مرزی کشور است. برای نمونه افراد و گروهک‌هایی که در سیستان و بلوچستان و در امتداد مرزهای نفوذپذیر با پاکستان در رفت و آمد هستند، یکی از مهمترین تهدیدهای امنیت اجتماعی ایران بودند که دولت روحانی در دوره مزبور با آن دست و پنجه نرم می‌کرد. ایران و پاکستان هر دو با چالش‌های مرتبط با شورشیان بلوچ در دو طرف مرز که با اقدام به ترور در هر دو کشور در پی دستیابی به اهداف خود یعنی ایجاد بلوچستان مستقل از قلمرو هر دو کشور هستند. به این ترتیب، دولت روحانی راهبرد همکاری با دولت پاکستان را ادامه داد و درصدد برآمد تا به راه‌حل جامع دست یابد، زیرا این موضوع به یک استراتژی دوجانبه نیاز داشت. از سوی دیگر دولت روحانی بر تداوم روند سیاست‌های اصلاحی، تأکید بیشتر بر همکاری‌های بین‌المللی با شرکای مالی، سیاسی و امنیتی و توسعه مشارکت‌ها تأکید می‌کرد (Hamrah, 2017).

با این وجود، اقبال عمومی به دولت روحانی در مناطق دارای اقلیت قومی و مذهبی که خاستگاه فعالیت‌های مسلحانه گریز از مرکز در دهه‌های گذشته بودند نشان از اعتماد بیشتر این مناطق به دولت روحانی، همچنین توان بهتر این دولت در افزایش انسجام اجتماعی نسبت به دولت قبلی داشت. اما روندهای منطقه‌ای و برآمدن داعش مانع از بهره‌گیری کامل دولت روحانی از این روند شد که فعالیت‌های تروریستی در مناطق اقلیت‌نشین نمود آن بود.

پرهیز از رویه‌های کنترلی در حوزه اجتماعی و فرهنگی یکی دیگر از رویکردهای حسن روحانی در مناظره‌های انتخاباتی و سخنرانی‌های گوناگون او در طول دوره ریاست جمهوری است. رویکرد کاهش حداکثری تصدی دولت در امور اجتماعی و فرهنگی و واگذاری این امور به نظام صنفی، کاهش دخالت در حوزه عمومی، استقلال عمل بیشتر دانشگاه‌ها و تأکید بر نقش اخلاق در حوزه فرهنگ و هنر از جمله مواردی بودند که مورد تأکید قرار گرفتند. با این حال، موضوعاتی نظیر توقف نمایش فیلم‌های سینمایی و لغو کنسرت‌های موسیقی دارای مجوز، انتقادهای فراوانی از نحوه عملکرد یا عدم تلاش مناسب دولت در سطح جامعه را برانگیخت.

روی هم‌رفته در این دولت همانگونه که روحانی بعنوان کارگزار اصلی آن اذعان می‌داشت برای تحقق راهبرد تقویت رفتارهای اجتماعی مطلوب و کاهش آسیب‌های

اجتماعی، به اولویت‌های راهبردی زیر نیاز بود: رعایت حقوق شهروندی، تأکید بر توسعه انسانی، بخش سلامت و بهداشت، توسعه کمی و کیفی آموزش، مبارزه با گسترش اشکال مختلف خشونت، توجه به تحکیم بنیان خانواده، ارتقای جایگاه زنان، توجه به جوانان، توسعه ورزش، ارتقای پایداری زیست‌محیطی (روحانی، ۱۳۹۲).

ت - امنیت زیست‌محیطی

از دهه ۱۹۹۰ لزوم ارائه تعریفی تازه از عناصر امنیت ملی آشکار گردید. در تعریف جدید، میدان محیط زیست به یکی از الزامات تعیین‌کننده میدان سیاست بدل گردید (حیدری و جمشیدی، ۱۳۹۵: ۲۰۵). در این راستا کشور ایران همواره در معرض تهدیدات زیست‌محیطی قرار داشته و عوامل زیست‌محیطی در ایجاد تنش، واگرایی، برهم زدن نظم عمومی و از همه مهم‌تر امنیت ملی ایران، تأثیرات قابل توجهی داشته‌اند (جاجرمی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۹۵). با وجود اینکه دولت یازدهم در بدترین شرایط اقتصادی و در بحبوحه تحریم‌ها زمام امور را به دست گرفت اما رییس‌جمهوری در همان شرایط سخت نیز اعلام کرد که دولت او یک دولت «زیست‌محیطی» است و این امر در برنامه ششم توسعه نیز انعکاس یافته است. اقدامات و دستاوردهای دولت روحانی در دور نخست ریاست جمهوری‌اش در زمینه امنیت محیط زیست را می‌توان در دو بخش سیاست‌گذاری - حقوقی و اجرایی بررسی نمود:

- رعایت استانداردهای محیط زیستی و حفاظت از محیط زیست در بدو امر نیازمند زیرساخت‌های حقوقی و قانونی است، این امر در قالب اقدامات زیر پی‌گیری شده است؛ تصویب فصل مالیات‌های سبز در لایحه ارزش افزوده، همکاری در تدوین سیاست‌های کلی نظام در حوزه محیط زیست برای سیاست‌های کلی نظام در بخش محیط زیست، احیا و فعال کردن شورای عالی حفاظت محیط زیست پس از توقف ۸ ساله، تهیه سند اقتصاد کم‌کربن و تصویب آن در هیات وزیران برای نهادهای ساز اقتصاد سبز، تهیه و تدوین و تصویب لایحه خاک و تقدیم آن به مجلس شورای اسلامی، تهیه و تدوین و تصویب لایحه ارزیابی محیط زیستی و تقدیم آن به مجلس شورای اسلامی، تهیه و تدوین و تصویب لایحه حفاظت از تالاب‌ها و تقدیم آن به مجلس شورای اسلامی، ارائه لایحه «هوای پاک» و تصویب آن در مهرماه ۹۵ توسط نمایندگان مجلس، تدوین و ارائه

لایحه حفاظت، احیا و مدیریت تالاب‌ها به مجلس و اجرای طرح بین‌المللی حفاظت از تالاب‌های مهم ایران چون «هامون»، «گاوخونی» و «بختگان»، تصویب موافقتنامه پاریس برای کاهش گازهای گلخانه‌ای و مقابله با گرمایش زمین در هیات دولت و ارائه به مجلس شورای اسلامی، تهیه و تصویب برنامه و آیین‌نامه اجرایی مقابله با گرد و غبار در دولت و اجرای برنامه شناسایی کانون‌های داخلی گردوغبار در ۱۲ استان کشور، همکاری‌های بین‌المللی و مهار منشاء داخلی ریزگردها، تلاش‌های فراوان مسئولان سازمان حفاظت محیط زیست برای بازنگری در سیاست‌ها و محدودسازی پروانه‌های شکار و همچنین ارائه لایحه حمایت از محیط‌بانان به مجلس مهم‌ترین اقدام‌های صورت گرفته در راستای حفظ حیات وحش به شمار می‌رود (گزارش دانشکده محیط زیست، ۱۳۹۶).

- در حوزه اجرایی، برخی اقدامات دولت یازدهم در راستای عملیاتی شدن سیاست‌گذاری‌ها و مصوبات فوق به شرح ذیل بوده است: حذف توزیع بنزین پتروشیمی و جایگزینی آن با بنزین و گازوئیل استاندارد یورو ۴، اجرای استاندارد یورو ۴ در خودروسازی کشور (پس از ۸ سال تاخیر) و در نتیجه بهبود کیفیت هوا در ۸ کلانشهر، تعیین استاندارد یورو ۵ برای خودروهای سبک وارداتی، جایگزینی ۴۰۰۰۰ دستگاه تاکسی فرسوده، کاهش مصرف مازوت در نیروگاه‌های کشور و جایگزینی با گاز طبیعی، راه اندازی صندوق ملی محیط زیست، ثبت ۱۱ مدرسه طبیعت در کشور با هدف آموزش شیوه‌های علمی و تخصصی زندگی در طبیعت، عدم اختصاص تسهیلات بانکی به پروژه‌های فاقد توجه محیط زیستی، حمایت و ترویج فرهنگ دوچرخه‌سواری، مقابله با زمین‌خواری، توجه به انرژی‌های نو و تجدیدپذیر در کشور، حفاظت از محیط زیست خزر، تشکیل کارگروه ملی نجات دریاچه ارومیه در مرداد ۱۳۹۲، برقی شدن برخی مسیرهای ریلی کشور و اصلاح شیوه‌های کشاورزی سنتی و ترویج کشاورزی صنعتی، اصلاح الگوی مصرف آب، نمونه‌هایی دیگر از تلاش‌های مسئولان دولت یازدهم برای پاسداری از محیط زیست ایران در سال‌های گذشته بوده است.

در دولت یازدهم همچنین نهادهای مدنی، سازمان‌های غیردولتی و فعالان محیط زیست مورد حمایت قرار گرفتند. دولت یازدهم مردم را نیروی فعال و سازنده در همه عرصه‌ها و از جمله در زمینه محیط زیست دانسته و مثبت‌ترین رویکرد را نسبت به سازماندهی

تشکل‌های مردمی و سازمان‌های مردم‌نهاد در عرصه محیط زیست داشته است. این در حالی است که رویکردهای امنیتی در دولت‌های نهم و دهم به تضعیف شدید سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه محیط زیست انجامیده بود. برخی از مهمترین دستاوردهای دولت یازدهم در این زمینه به شرح زیر است:

تقویت نقش و جایگاه مشارکت مردمی و سرمایه‌های اجتماعی با افزایش ۸۰ درصدی تشکل‌های محیط زیستی از ۴۲۳ تشکل در سال ۱۳۹۱ به نزدیک ۸۹۱ در سال ۱۳۹۵، برگزاری نشست‌های فصلی، منطقه‌ای سازمان‌های مردم‌نهاد محیط زیستی و منابع طبیعی، برگزاری دوره‌های آموزش مجازی ویژه سمن‌های محیط زیستی، توسعه اطلاع‌رسانی به اقشار مختلف از طریق فضای مجازی و ترویج و تشویق حفاظت از محیط زیست در سطح عمومی، حمایت از پویش‌های مردمی محیط زیستی برای گسترش آگاهی‌ها و مشارکت اقشار مختلف. حفاظت محیط زیست به حمایت عمومی نیز نیاز دارد و در این راستا اقدامات متعددی در دولت یازدهم شامل؛ انعقاد تفاهم‌نامه با وزارت آموزش و پرورش برای گسترش آموزش دانش‌آموزان و درج مفاهیم محیط زیستی در ۳۳ عنوان کتاب درسی و دو واحد انسان و محیط زیست در مقطع متوسطه، تدوین منشور مدارس جامع محیط زیستی کشور، حمایت از راه‌اندازی مدارس طبیعت توسط بخش خصوصی، همکاری با صدا و سیما برای تولید و پخش برنامه‌های آموزشی و اطلاع‌رسانی محیط زیستی و ... صورت گرفته است (روحانی، ۱۳۹۶).

در عرصه بین‌المللی و دیپلماسی محیط زیست نیز دولت نخست روحانی فعالیت عديده‌ای داشت که به موارد زیر می‌توان اشاره نمود: «نقش‌آفرینی ایران در شکل‌گیری و تصویب نشست آب و هوایی پاریس، برگزاری نخستین اجلاس بین‌المللی سازمان ملل با موضوع گرد و غبار در ایران، میزبانی مراکز منطقه‌ای کنوانسیون‌های رامسر، بازل و استکهلم، میزبانی مقر دائمی "موسسه علوم و فناوری‌های زیست‌محیطی اکو"، تهیه و تنظیم یادداشت همکاری زیست‌محیطی میان جمهوری اسلامی ایران و دولت‌های ژاپن، عمان، ترکیه، فرانسه، فنلاند، ایتالیا، ترکمنستان، آلمان، کره جنوبی، اتریش، بلژیک، نروژ، جمهوری آذربایجان، لهستان، کویت، رومانی، گرجستان، چین و ارمنستان، امضای اسناد فاز اول، دوم و سوم احیای دریاچه ارومیه بین سازمان حفاظت محیط زیست و UNDP، انعقاد تفاهم‌نامه همکاری با کشور عراق برای کنترل و تثبیت کانون‌های گرد و

غبار بعنوان مهمترین کانون‌های منطقه‌ای، پیگیری‌های لازم برای کنوانسیون‌هایی همچون کنوانسیون حفاظت از گونه‌های مهاجر وحشی، پیوستن رسمی به پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون خزر (تهران)، پروتکل مونترال و کنوانسیون‌های استکهلم و بازل، از مواردی است که جزء دیپلماسی سازمان محیط زیست در دولت یازدهم به شمار می‌آید» (گزارش دانشکده محیط زیست، ۱۳۹۶).

روی‌هم‌رفته، اقدامات و فعالیت‌هایی که در دولت یازدهم انجام شده به ارتقای رتبه ایران در شاخص عملکرد محیط زیستی EPI انجامیده است. شاخص عملکرد محیط زیستی هر ساله توسط دانشگاه ییل و با در نظر گرفتن دو حوزه سلامت محیط زیست (۳۰ درصد وزن شاخص) و سرحالی اکوسیستم (۷۰ درصد وزن شاخص) محاسبه می‌شود. ایران از رتبه ۱۱۴ در سال ۲۰۱۲ به رتبه ۱۰۵ در سال ۲۰۱۶ رسیده که این ۵ رتبه بهبود حاصل عملکرد محیط زیستی در دولت تدبیر و امید است. رتبه ۱۰۵ نیز البته شایسته نیست و نشان‌دهنده عمق مسائل محیط زیستی کشور است اما نشان می‌دهد که مسیر درستی طی شده است و با تداوم این مسیر می‌توان وضعیت بهتری در محیط زیست ایران را شاهد بود (روحانی، ۱۳۹۶).

بطور کلی امنیت زیست‌محیطی بعنوان یکی از اجزای رویکرد حداکثری دولت روحانی به امنیت ملی مورد توجه بوده و این دولت درصدد بوده در کنار بهره‌گیری از ابزارهای سخت‌افزاری لازم برای بهبود آن بر مولفه‌های نرم‌افزاری نیز تاکید کند و به ناکارآمدی در این حوزه فایق آید، با این وجود مقایسه اهداف و عملکرد دولت روحانی نشان می‌دهد این دولت به‌رغم اتخاذ تدابیر ضوابط و دستورالعمل‌های لازم و انجام اقدامات متعدد بعلت ضعف فرهنگ محیط زیست و ناکارآمدی ساختارهای سیاسی و مدیریتی در عمل نتوانسته است به اهداف خود دست یابد. در این راستا گزارش مجلس شورای اسلامی، بررسی آمارهای بین‌المللی مقایسه دستاوردهای دولت روحانی با اهداف این دولت و از همه مهم‌تر پایداری معضلات بنیادی زیست‌محیطی مانند پدیده ریزگردها، آلودگی هوا و نابودی و کمیابی منابع آبی بیانگر این امر هستند.

ث - امنیت نظامی

نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران دکترین نظامی ایران را از وجه دفاعی و نامتقارن مورد توجه قرار می‌دهند. در این میان اگرچه نخبگان همیشه با ماهیت و سطح تهدیدی که از طرف مخالفان خود ترسیم می‌شود و نیز چگونگی دستیابی به آنها به بهترین وجه موافق نیستند، ولی اجماع وسیع در سیستم سیاسی وجود دارد که ایران باید از یک ارتش قوی و قابلیت‌هایی برای بازدارندگی دشمنان برخوردار باشد (7: Tabatabai, 2019). اساساً وضعیت دفاعی ایران مبتنی بر بازدارندگی است و در این راستا از دهه ۸۰ میلادی، ایران دو عامل مهارکننده اصلی بدست آورده است: برنامه موشکی و شرکای غیردولتی. علاوه بر این اخیراً در ساخت توانایی‌های سایبر خود سرمایه‌گذاری کرده است تا بتواند بعنوان یک نیروی جدید در خدمت اهداف دفاعی باشد. به همین جهت در دولت اعتدال نیز توانایی نظامی و آمادگی در جنبه‌های حیاتی دکترین نظامی ایران مورد تأکید قرار گرفته است (Anderson, 2018: 39-40).

به طور کلی رویکرد دولت روحانی در حوزه امنیت نظامی نیز رویکردی میانه‌رو و ترکیبی بوده و سعی کرده است دو رویکرد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری را به طور همزمان پیش ببرد و از نگاه یکسویه سخت‌افزاری در حوزه امنیت نظامی بپرهیزد. در این ارتباط نظم‌گفتار روحانی به شکل پیوندی قابل توجه است: «استراتژی دفاعی نظامی ایران که در قانون اساسی و قانون عادی نیز بر آن تأکید شده یک استراتژی دفاعی و بازدارنده و نه تهاجمی است و اساساً ما به دنبال فتح سرزمین نیستیم بلکه انقلاب ما به دنبال فتح قلوب و ایجاد فضای صمیمیت و برادری در میان ملت‌های منطقه و جهان است» (پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری، ۱۳۹۴).

به نظر می‌رسد دستاوردهای دولت روحانی در عرصه امنیت نظامی را نیز بیشتر باید بر پایه نتایج حاصل از برجام تبیین کرد. چرا که در نتیجه بکارگیری دیپلماسی تهاجمی در دوران دولت‌های نهم و دهم، بعد حقوقی - فنی پرونده هسته‌ای ایران، ابعاد سیاسی - نظامی به خود گرفت. بی‌گمان در چنین فضایی، مذاکرات هسته‌ای دولت تدبیر و امید پس از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری در نهایت به برنامه جامع برجام منجر شد که این پرونده را از وجه سیاسی - نظامی خود خارج و به فاز سیاسی - حقوقی وارد کرد و توانست تهدیدهای موجود در عرصه امنیت نظامی را با بهره‌گیری از ابزار نرم‌افزارانه

دیپلماسی کم‌رنج سازد. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این تغییر فاز، خروج ایران از شمول قطعنامه‌های فصل هفتم منشور ملل بود که دستاورد امنیتی مهمی برای جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رفت. علاوه بر این می‌توان کم‌رنج ساختن تهدیدهای مداوم نظامی مقامات آمریکایی و کشورهای دیگر، تقویت توان دفاعی نیروهای مسلح از طریق فراهم شدن امکانات برای نوسازی تجهیزات، دستیابی به تکنولوژی نوین تامین قطعات یدکی و افزایش بودجه دفاعی، تغییر موازنه قدرت منطقه‌ای به نفع ایران و ایجاد عرصه‌ای بازتر برای توسعه توانمندی موشک بالستیک که قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای را ندارند را از دستاوردهای نظامی دیگری در راستای تحقق برجام برشمرد (بلوچی و دیگران، ۱۳۹۵: ۵۵).

تاکید بیشتر بر امنیت نرم‌افزاری نسبت به امنیت سخت‌افزاری در رویکرد دولت روحانی باعث می‌شود که برخلاف رویکرد امنیتی دولت قبلی (که در آن برنامه موشکی ایران صرفاً یک دارایی دفاعی تلقی می‌شود و متاثر از این امر هرگونه تعامل با قدرت‌های خارجی در این حوزه رد می‌شد) در این گفتمان عنصر موشکی و شرکای غیردولتی بعنوان یک ابزار سخت‌افزاری امنیت تبدیل به ابزاری برای مذاکره جهت گسترش امنیت گردد و تاکید شود که ایران می‌تواند برنامه موشکی خود را در متن پارامترهای مورد قبول سیستم سیاسی خود روی میز مذاکره قرار دهد (Tabatabai, 2019: 9).

روی هم رفته، روحانی در جای‌جای سخنرانی‌ها و نوشته‌های خود همواره سعی کرده است به هنجارهای نرم در کنار هنجارهای سخت امنیتی بها دهد و این تفکر را القا کند که رویکرد امنیتی در حوزه نظامی، رویکردی دفاعی است و در دفاع اصل بر توانمندی داخلی است و توانمندی داخلی تنها تولید سلاح نیست بلکه امر اساسی در کنار امر شکل‌گیری اعتماد ملی و یکپارچگی ملت و دولت است.

نتیجه‌گیری

در این نوشتار پرسش اصلی این است که دولت اعتدال‌گرای حسن روحانی در دوره نخست تصدی مقام ریاست جمهوری، چه رویکردی را در حوزه امنیت در دستور کار خود قرار داده است؟ فرضیه مورد آزمون پژوهش این است که دولت یازدهم نگاهی چندوجهی، جامع و حداکثری نسبت به مقوله امنیت داشته و متاثر از الزامات میدان‌های

اجتماعی تلاش کرده است امنیت را با توسعه و بخصوص توسعه اقتصادی - اجتماعی پیوند زند.

بعبارت دیگر جهت‌گیری امنیتی دولت روحانی، نگاهی واقع‌بینانه به مقوله امنیت بود و سیاستگذاران این گفتمان سعی کردند به جای نگاه یکسویه به حوزه امنیت و تفسیر سخت‌افزاری از مقوله امنیت که از دکترین امنیتی دوره جنگ سرد حکایت می‌کند؛ رویکردی حداکثری، ترکیبی، جامعه‌محور و توسعه‌مدارانه را عرضه دارند که مرجع آن دولت - شهروند و غایت آن زدودن ناامنی از تمامی ساحت‌های اجتماعی و در نهایت تامین امنیت ملی است. از این‌روی، در دولت نخست روحانی، تلاش شد تا تعریفی فراگیر و توسعه‌یافته از امنیت عرضه شود که همچون چتری تمامی عرصه‌های فرهنگ، سیاست، سلامت، محیط زیست، معیشت و رفاه و... را دربرگیرد. به عبارت بهتر، دولت اعتدال با پرهیز از رویکرد حداقلی سعی کرد از ظرفیت‌هایی همچون توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی و اجتماعی بهره برده و با ایجاد آرامش در سطح داخل که متاثر از وجود فضای باز سیاسی و افزایش رفاه اقتصادی است به امر امنیت ملی نائل آید. البته این امر به معنای نادیده گرفتن حوزه نظامی و سخت‌افزاری امنیت در این رویکرد نیست بلکه اعتدال‌گرایان تلاش کردند در کنار ابعاد سخت‌افزاری امنیت از پتانسیل‌های نرم‌افزاری امنیت که رویکردی درون‌محور دارد بهره‌برند و با برآورده کردن نیازهای کلی اجتماعی (اعم از مادی و غیرمادی) از طریق توسعه اقتصادی - سیاسی یک رویکردی قدرت-مدارانه از امنیت را ارائه نمایند. از این‌رو تامین امنیت در این نگاه به تمامی حوزه‌ها و ساحت‌های فعالیت انسانی یعنی عرصه نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی گره خورد و تلاش برای پیوند زدن مولفه‌های ذهنی این رویکرد با واقعیات عینی، مهمترین دستاورد دولت روحانی در حوزه امنیتی در دولت نخست خود بود.

با این حال تحقق رویکرد امنیتی دولت روحانی، در عمل با چالش‌ها و موانعی روبرو بوده است، از این‌رو برای فائق آمدن بر این موانع و مشکلات، نکات راهبردی زیر به دولتمردان، سیاستگذاران و مجریان حوزه امنیت پیشنهاد می‌گردد:

- شناسایی و تعریف دقیق مسائل امنیتی حال و آینده کشور بر پایه رویکرد حداکثری و اجتماع‌محور بوزان و ویور به مقوله امنیت که در این پژوهش تشریح گردید؛

- پرهیز از نگاه سخت‌افزاری به مقوله امنیت ملی و بهره‌گیری ترکیبی از ابزارهای نرم و سخت برای حفظ و ارتقای امنیت ملی؛
- در طراحی مدل جامع امنیت در حوزه سیاستگذاری، سه متغیر مهم ارزش‌ها و آرمان‌ها، محیط امنیتی و توانایی‌های نظام سیاسی مورد توجه قرار گیرد؛
- توجه به ابعاد امنیتی هویت، فرهنگ و تمدن ایرانی-اسلامی؛
- وضع و اجرای سیاست‌هایی برای زدودن محرومیت از چهره نواحی حاشیه شهرها و همچنین مناطق کم‌برخوردار و مرزی؛
- فراهم نمودن بسترها و زمینه‌های مشارکت حداکثری مردم و بخش‌های مختلف جامعه (نهادهای رسمی و غیررسمی) در تامین امنیت ملی؛
- ایجاد شبکه‌ای از روابط راهبردی (اقتصادی، دفاعی-امنیتی و ..) در سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای؛
- استفاده از پیمان‌های دوجانبه ارزی و ایجاد بازار بین بانکی معاملات ریالی و ارزی با کشورهای منطقه؛
- شکل‌گیری اتحادها و ائتلاف‌ها و استفاده از ظرفیت سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای تقویت دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر بازارهای منطقه.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم

ORCID

Alireza Samiee Isfahani



<http://orcid.org/0000-0002-1303-4555>

Jafar Norozinejad



<http://orcid.org/0000-0002-4754-6153>

Shahrooz Soltan Ahmadi



<http://orcid.org/0000-0002-9964-0731>

منابع

- ابراهیم آبادی، غلامرضا، (۱۳۸۴)، «جایگاه جامعه مدنی در سیاستگذاری خارجی (بررسی موردی ایران)»، فصلنامه سیاست خارجی، سال نوزدهم، شماره ۱.
- اصلی پور، حسین و شریف‌زادگان، فتاح، (۱۳۹۴)، «راهبرد سیاستگذاری زیست‌محیطی کشور در بستر نظریات متعارف تصمیم‌گیری عمومی، سیاستگذاری عمومی»، سال ۲۲، شماره ۸۳.

- امید، علی، (۱۳۸۴)، «نظریه بسیج سیاسی قومیت و راهکارهای مهار و پیشگیری مناقشات قومی»، مجله دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان، سال نوزدهم، شماره ۴.
- بلوچی، حیدر علی و دیگران، (۱۳۹۵)، «برجام؛ سیاست‌ها، دستاوردها و الزامات»، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری، (۱۳۷۸)، «مردم، دولت‌ها و هراس»، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری، (۱۳۷۹)، «مردم، دولت‌ها و هراس: مشکل امنیت ملی در جهان سوم، در ادوارد آذر و چونگ این مون، امنیت ملی در جهان سوم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری و همکاران، (۱۳۸۶)، «چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت»، ترجمه علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری، (۱۳۷۹) (الف)، «آشنایی با مکتب کپنهاگ»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سوم، شماره ۳.
- بوزان، باری، (۱۳۸۰)، «تحول در مفهوم امنیت بین‌المللی: جامعه بین‌المللی و امنیت بین‌المللی»، فصلنامه فرهنگ و اندیشه، سال اول، شماره‌های ۳ و ۴.
- پیشگاهی‌فرد، زهرا و دیگران، (۱۳۹۰)، «امنیت زیست‌محیطی و تحول مفهوم امنیت در قرن ۲۱»، فصلنامه چشم‌انداز جغرافیایی، سال ششم، شماره ۱۴.
- تریف، تری و دیگران، (۱۳۸۳)، «مطالعات امنیتی نوین»، مترجان: علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تهامی، سید مجتبی، (۱۳۹۰)، «امنیت ملی، دکترین، سیاست‌های دفاعی و امنیتی»، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی، ارتش جمهوری اسلامی ایران، سازمان عقیدتی سیاسی، دفتر سیاسی.
- فرهادی، محمد، (۱۳۹۲)، «توسعه اقتصادی اجتماعی، قومیت و مشارکت سیاسی»، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، سال دوم شماره ۴.
- قوام، سید عبدالعلی، (۱۳۸۴)، «سیاست بین‌المللی و رویکرد زیست‌محیطی»، فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، بهار و تابستان، شماره ۱۴.
- پوستین‌چی، زهره، (۱۳۸۹)، «قدرت نرم در گفتمان امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه آفاق امنیت، دوره ۳، شماره ۷.
- صدر، امیر فاطمی، (۱۳۹۲)، «دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در لبنان»، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال سوم، شماره ۴.

تبیین ابعاد و مولفه‌های رویکرد امنیتی دولت روحانی ... | سمیعی اصفهانی و همکاران | ۱۰۵

- عبدالله خانی، علی، (۱۳۸۳)، «بررسی و نقد نظریه امنیتی ساختن»، *مطالعات راهبردی*، دوره ۹، شماره ۳۳.
- پیشگاهی فرد، زهرا و جاجرمی، کاظم، (۱۳۹۲)، «ارزیابی تهدیدات زیست‌محیطی در امنیت ملی ایران»، *راهبرد*، دوره ۲۲، شماره ۶۷.
- حسینی، سید نبی، (۱۳۸۷)، «کشاورزی ایران در بستر جهانی»، *ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۲۴۳-۲۵۴.
- حیدری، وحید و جمشیدی، ابراهیم، (۱۳۹۵)، «بررسی مفهوم امنیت زیست‌محیطی با نگاهی به چالش‌های امنیت زیست‌محیطی ایران»، *فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی*، سال پنجم، شماره ۲۱.
- کاویانی‌راد، مراد، (۱۳۸۹)، «تحلیل فضایی مخاطرات محیطی و بوم‌شناسی در ایران»، *مطالعات راهبردی*، سال سیزدهم، شماره ۲.
- دهقانی، جلال، (۱۳۸۶)، «گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌محور در سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد»، *دانش سیاسی*، شماره ۵.
- روحانی، حسن، (۱۳۸۹)، *امنیت ملی و نظام اقتصادی ایران*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، معاونت پژوهش‌های اقتصادی.
- روحانی، حسن، (۱۳۹۲)، «متن کامل برنامه، اصول کلی و خط‌مشی دولت امید و تدبیر»، *روزنامه اطلاعات*، چهارشنبه، ۱۶ مرداد.
- نویدنیا، منیژه، (۱۳۸۵)، «تأملی نظری در امنیت اجتماعی؛ با تأکید بر گونه‌های امنیت»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال نهم، شماره ۱.
- روی، پل، (۱۳۸۲)، «معمای امنیت اجتماعی»، ترجمه منیژه نویدنیا، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال ششم، شماره ۳.
- مشهدی، علی، (۱۳۹۵)، «دولت و محیط زیست: از رویکردهای بدون دولت تا رویکردهای مشارکتی»، *فصلنامه دولت‌پژوهی*، سال دوم، شماره ۸.
- مصطفوی، ندا، (۱۳۸۸)، *علل تورم در برنامه‌های توسعه اقتصادی؛ اجتماعی و فرهنگی پس از انقلاب*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- میربد، سید مهدی، (۱۳۹۵)، «تبیین روندهای انتخابات ریاست جمهوری یازدهم با استفاده از تئوری محرومیت نسبی»، *فصلنامه پژوهش سیاست‌نظری*، شماره ۱۹.
- کریمایی، امیراعظم، (۱۳۹۵)، «تأملی در شناخت امنیت اجتماعی»، *فصلنامه دانش‌انظامی*، سال هفتم، شماره ۴.

- نجفی، خورشید و رضا بهرامی، (۱۳۹۷)، «راهبرد امنیت جمهوری اسلامی در دولت روحانی در پیشبرد منافع ملی»، فصلنامه مطالعات منافع ملی، سال چهارم، شماره ۱۴.

سایت‌های اینترنتی

- بینا، (۱۳۹۳)، «شش مشکل اصلی محیط زیست»، مشرق نیوز، ۱۰ فروردین قابل دسترس در: <http://www.mashreghnews.ir/fa/news/296820/6>.
- روحانی، حسن، (۱۳۹۴)، روحانی: استراتژی نظامی ایران تدافعی است نه تهاجمی، پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، ۴ مرداد <http://www.hawzah.net/fa/News/View/100064>.
- دبیرخانه شورای اطلاع‌رسانی دولت، (۱۳۹۵)، «سه سال با تدبیر و امید: چکیده دستاوردهای دولت یازدهم در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی»، به نشانی اینترنتی: <http://isti.ir/uploads/3salbatadbiromid.pdf>.
- روحانی، حسن، (۱۳۹۴)، «حفاظت از محیط زیست باید به فرهنگ عمومی کشور تبدیل شود»، سایت ریاست جمهوری، ۱۰ خرداد. <http://www.president.ir/fa/78065>.
- دانشکده محیط زیست، (۱۳۹۶)، «محیط زیست در قاب محیط زیستی‌ترین دولت پس از انقلاب»، قابل دسترس در <https://coe.ac.ir/content/371>.
- برنامه دولت یازدهم، (۱۳۹۶)، «حسن روحانی برنامه دولت دوازدهم در ۱۰ محور از جمله محیط زیست را اعلام کرد؛ <https://www.trt.net.tr/persian/mhyt-zyst/2017/05/09/grd-w-gbr-mdrs-mhshhr-dr-grb-yrn-r-t-tyl-khrd-728695>.
- نگاهی به عملکرد دولت در حوزه محیط زیست، حرکت دولت به سوی اقتصاد سبز، (۱۳۹۶)، قابل دسترس در: http://www.isfahan-doe.ir/Index.aspx?page=news&lang=1&tempname=default&sub=0&sampledetails=&PageID=4080&PageIDF=1&BlockName=tool_news_sample_default_block29&isPopUp=false.
- سلطانی، علی، (۱۳۹۷)، «چالش‌ها و فرصت‌های دولت حسن روحانی در ایران»، قابل دسترس در: <https://www.aa.com.tr/fa>.

References

- Buzan, Barry, (1997), "Rethinking Security after Cold War", *Cooperation and Conflict*, 32, 1, 5-28.

- Sweeney, Bill, (1996), "Identity and Security: Buzan and Copenhagen School", *Review of International Studies*, 22, 1: 81.
- Carter, Barry E, (1998), *International Economic Sanction: Mproving the haphazard U.S. legal Regime*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Malloy, Michael P, (1990), *Economic Sancation and U.S. Trade*, Boston: Littel, Brown.
- Doxy, Margaret, (1990), "International Sanctions", in David G. Haglund and Michael K. Hawes, eds., *World. Politics: Power, Interdependence and Dependence*, Toronto: Harcourt.
- Anderson, Collin, (2018), *Iran's Cyber Threat: Espionage, Sabotage, and Revenge*, Washington, D.C: Carnegie Endowment for International Peace.
- Tabatabai, Ariane, (2019), "Iran National Security Debate", Rand Coepolation.
https://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/perspectives/PE300/PE344/RAND_PE344.pdf.
- Shanahan, Rodger, (2015), "Iranian Foreign under Rouhani", Lowy Institute for International Policy, www.lowyinstitute.org.
- Adib Moghaddam, Arshin, (2019), "Iran and World after Rouhani", *IDM M-Review*, Vol. 5.
- Akbarzadeh, Shahram, (2016), *Iran in the World; President Rouhani's Foreign Policy*, Reprint, Houndmills, Basingstoke, Hampshire; New York, NY: Palgrave Macmillan.
- Lewis, Gary, (2014), "Challenges to and from the Environment in Ira", Iran Heritage Foundation and Persian Wildlife Heritage Foundation Symposium, Royal Geographical Society, London, 18 January.
- Mousavian, S. H, (2017), "Winning Iran's Election Is Just the Beginnin of Rouhani's Political Struggles", *New Perspectives Quarterly*, Vol. 34, Issue 3.

- Sikal, Amin & Vestenskov, David, (2020), "National Security and Operational Capability", available in: [https:// www. google. com/ search? q= iran% E2% 80% 99s+ national+ security+ and+ operational+ capability+authors% 3A+amin+saikal&oq=&aqs=chrome.0.69i59.313481j0j15&sourceid=chrome&ie=UTF-8](https://www.google.com/search?q=iran%20national+security+and+operational+capability+authors%3A+amin+saikal&aq=chrome.0.69i59.313481j0j15&sourceid=chrome&ie=UTF-8).
- Hamrah, Satgin, (2017), "The Election of President Rouhani: Iran's Economy & Security", [https:// www. e-ir. info/ 2017/ 07/ 18/ the- election -of- president-rouhani-irans-economy-security](https://www.e-ir.info/2017/07/18/the-election-of-president-rouhani-irans-economy-security).
- Waver, O. (2009), "Waltz's Theory of Theory", *Journals Permissions*, Vol. 23, (2): 201–222.
- Waver, O, (1995), "Securitization and Desecuritization", in *Lipshutz (Ed); On Security*, New York: Columbia University Press.



استناد به این مقاله: سمعی اصفهانی، علیرضا، نوروزی‌نژاد، جعفر، اسدی سلطانی احمدی، شهروز، (۱۴۰۰)، «تبیین ابعاد و مولفه‌های رویکرد امنیتی دولت روحانی بر اساس نظریه مکتب کپنهاگ»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۱۰(۳۹)، ۷۳-۱۰۸.

doi: 10.22054/QPSS.2020.50825.2479